

موضع امام علی (ع) در برابر کشورگشایی خلفای سه گانه چه بود؟ آیا ایشان و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در این فتوحات شرکت داشتند؟

پاسخ اجمالی:

پس از وفات پیامبر ﷺ، مشکلات بسیاری بر دین نوپای اسلام هجوم آورد که غفلت از آن ها می توانست اساس اسلام و جامعه اسلامی را با خطر مواجه سازد. حضرت علی (ع) در این برهه حساس تاریخی، بیشتر در تلاش بود تا وظیفه الهی و انسانی خود را در قالب مشاوره و همکاری های گوناگون فکری برای حفظ دین و ثبات جامعه اسلامی، به انجام رساند. ایشان نمی توانست در برابر معضلات عمده ای که دامنگیر اسلام و امت اسلامی شده و بقا و حیات مسلمانان و دین تازه را به خطر انداخته بود، بی تفاوت بماند آن هم به بهانه این که حقشان را غصب کرده اند.

در هیچ یک از منابع کهن و معتبر تاریخی، حضور امیرمؤمنان (ع) حتی در یکی از جنگ های زمان خلفا ثبت نشده است. عدم شرکت حضرت در فتوحات و انزوای ایشان این سوال را در اذهان مسلمانان برانگیخت که چرا علی بن ابی طالب (ع) با آن همه سابقه درخشان در نبردهای گذشته، اکنون که زمان انتشار اسلام در سرزمینهای کفر و شرک رسیده است در جنگها شرکت نمی کند؟

از این رو خلیفه و یارانش می کوشیدند با شرکت دادن حضرت علی (ع) در فتوحات:

- ✓ از یک طرف زمینه طرح چنین پرسش و ابهامی را از بین ببرند و با ورود او به عرصه فتوحات، اعتبار و مشروعیت چنین اقدامی را در اذهان بسیاری از هواخواهان ایشان به ویژه بنی هاشم مستحکم سازند.
- ✓ از سوی دیگر از مهارت ها و تجارب جنگی آن حضرت در فتح شهرها استفاده کنند.

اما امام علی (ع) با عدم حضور و شرکت مستقیم در فتوحات هرگز مُهر تأیید بر سیاست های خلفا در این زمینه نزدند و در یک کلام، موید خلفا نبود. درپاره ای از جنگها، مانند جنگ با ایران و روم و فتح بیت المقدس، امیرالمؤمنین (ع) مورد مشورت قرار گرفت، ولی خود حضرت در جنگ حضور نداشتند. حضرت علی (ع) در چنین مواردی نه تنها براساس مصلحت اسلام و مسلمین که بر اساس مصلحت و منافع همه جامعه بشریت مخصوصا مستضعفین و مظلومین، نظر خود را اعلام می فرمودند.

پاسخ تفصیلی:

در مجموع، اسلام یک دین جهانی بوده و هست و نمی توانست هدایت خود را در مهد اسلام و شهر مکه و یا نهایتا جزیره العرب محصور کند، اما لشکرکشی های انجام شده در عهد خلفای نخست، کاستی ها بسیاری را در پی داشت. گزارش تاریخی حاکی از آن است که مشاوره خلفا با حضرت علی (ع) در امور مهم، دستگاه خلافت را از لغزش اصولی باز داشت.

جنگ های پیامبر ﷺ برای رفع موانع هدایت مردم و دفاع صورت می گرفت. به عبارت دیگر اسلام استفاده از قدرت نظامی را تنها در سه مورد روا می داند:

۱- برای نابودی آثار شرک و بت پرستی

۲- کسانی که نقشه نابودی و حمله به مسلمانان را می کشند، اسلام دستور جهاد و توسل به قدرت نظامی بر ضد ایشان را صادر کرده است.

۳- هر آیینی حق دارد آزادانه و به صورت منطقی خود را معرفی کند و اگر کسانی مانع این کار شوند، می توان با توسل به زور این حق را به دست آورد.^۱

خلفای وقت، حضرت علی (ع) را کنار زدند و آن حضرت در زمان خلافت ابوبکر و عمر و عثمان خانه نشین بود. منتهی وقتی که آنان احتیاج پیدا می کردند از آن حضرت هم، نظر و مشورت می خواستند. امام علی (ع) نیز در چنین مواردی نه تنها براساس مصلحت اسلام و مسلمین که بر اساس مصلحت و منافع همه جامعه بشریت مخصوصا مستضعفین و مظلومین نظر خود را اعلام می فرمودند. درپاره ای از جنگها، مانند جنگ با ایران و روم، امیرالمؤمنین (ع) مورد مشورت قرار گرفت البته خود حضرت در جنگ حضور نداشتند.

امام علی (ع) و فتوحات در دوره خلافت ابوبکر

دوران کوتاه خلافت ابوبکر (دو سال و چهار ماه) و وجود شورش ها و مخالفان فراوان حکومت وی هم چون مرتدان، پیامبران دروغین و مانعان زکات (که بیش از یک سال ازدوران خلافت ابوبکر به نبرد با این گروهها صرف شد) سبب شد که ابوبکر مجال فراوانی برای دستیابی به فتوحات چشم گیری، همانند دوران پس از خویش نداشته باشد.

حضرت علی (ع) که نمی خواست با حضور و شرکت مستقیم در فتوحات بر سیاست های خلیفه مهر تأیید بزند و در یک کلام، موید خلفا باشد، در این جهت موضعی «بی طرفانه» یا حداکثر «مشاورانه» اتخاذ کرد.

مورخ مشهور، علامه ابن واضح یعقوبی نقل می کند که: ابوبکر تصمیم گرفت به روم حمله کند. از این رو با گروهی از اصحاب رسول الله ﷺ مشورت کرد که سخنان متفاوتی را بیان داشتند. لذا با علی بن ابی طالب (ع) به شور پرداخت. حضرت نظرش این بود که دست به جنگ با روم بزند. سپس فرمود: «إِنْ فَعَلْتَ، ظَفَرْتَ»، ابوبکر گفت: شما بشارت خیر به من دادی. آن گاه مسلمانان به رومیان حمله کردند، و بیت المقدس را - که در آن موقع تحت سیطره یهودیان بود - فتح

کردند و یهودیان پا به فرار گذاشتند. این پیروزی و ظفری بود که امیرمؤمنان علی علیه السلام از آن خبر داده بود. ناگفته نماند که این واقعه در سال ۱۳ پس از هجرت به مدینه رخ داد.

سپاه اسلام با مجاهدت‌ها و فداکاری‌های زیاد مسلمانان به پیروزی نایل آمد. خبر پیروزی بر رومیان و در نتیجه فتح شام، زمانی به مدینه رسید که ابوبکر مرده و عمر به جای او بر مسند خلافت تکیه زده بود.

امام علی علیه السلام و فتوحات در عصر عمر

علی بن ابی طالب علیه السلام در برابر فتوحات این دوران، همان موضعی را اتخاذ کرد که در دوران خلیفه اول در پیش گرفته بود؛ اما چون در این عصر، فتوحات دامنه گسترده تری داشت، نقش حضرت علی علیه السلام نسبت به دوران ابوبکر در این باره، ملموس‌تر و چشم‌گیرتر بود. امیرمؤمنان علیه السلام چون نمی‌توانست نسبت به سرنوشت اسلام و مسلمانان بی تفاوت باشد، فقط در قالب مشاوره و ارائه دیدگاه‌های خویش، هم چون یک کارشناس برجسته نظامی، آنان را در این امر همراهی می‌کرد. در هیچ یک از منابع تاریخی و حدیثی، شرکت علی علیه السلام در فتوحات این دوران گزارش نشده است. چنان‌که در هیچ یک از منابع دیده نشده که طبق گفته امام علی علیه السلام عمر از او نظر مشورتی خواسته باشد و آن حضرت ارایه نکرده باشد.^۲

مسعودی در این باره می‌نویسد: «چون عمر درباره جنگ با ایرانیان از عثمان نظرخواهی کرد، عثمان در جواب گفت: سپاه اعزام کن و هرکدام را با سپاه بعدی تقویت نما و مردی را بفرست که در کار جنگ تجربه و بصیرت کافی داشته باشد. عمر گفت: آن کیست؟ عثمان گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام. عمر گفت: پس او را ببین و با او گفت و گو کن. بنگر آیا به این کار تمایل دارد یا نه؟! عثمان با علی علیه السلام در این باره مذاکره کرد، اما علی علیه السلام این را خوش نداشت و رد کرد.^۳

امام علی علیه السلام و فتوحات عصر عثمان

حضرت علی علیه السلام در عصر خلافت عثمان بر خلاف گذشته، کمتر در صحنه حضور می‌یافت و مشورت و همکاری در امور حکومت را تقلیل داد. از این رو هیچ گزارشی در منابع تاریخی مبنی بر راهنمایی و ارائه نظر در امر فتوحات از سوی آن حضرت وجود ندارد. علت چنین موضع‌گیری را باید در تفاوت شیوه خلافت عثمان با خلفای پیشین دانست. عثمان با مخالفت آشکار با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تعطیلی حدود الهی، حیف و میل بیت المال و بخشش‌های بی‌حساب و کتاب به نزدیکان و خاندان اموی، واگذاری مناصب و پست‌های مهم حکومتی به خاندان بنی‌امیه و بنی‌ابی‌معیط و سرانجام ضرب و شتم یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و تبعید آنان، که در نهایت چنین اعمالی منجر به قتل وی شد، از امام علی علیه السلام فاصله گرفت و امام علی علیه السلام به سبب صدور چنین اعمالی از عثمان که در تضاد آشکار با قرآن و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، به همکاری با عثمان به شیوه همکاری با خلفای پیشین حاضر نشدند.

فلسفه همکاری مشاورانه حضرت با دستگاه خلافت

از آنچه نگاشته شد، روشن شد که علی علیه السلام در هیچ فتحی از فتوحات عصر خلفا شخصاً حضور نداشت. تنها همکاری حضرت در این باره، ارائه مشاوره و راهنمایی در مواردی بود که ابوبکر و عمر از آن حضرت درخواست می‌کردند، البته این میزان همکاری هم در خلافت عثمان وجود نداشت. علت این میزان همکاری از سوی امام علیه السلام را (به رغم تمام مسائلی که در جریان سقیفه و مسأله جانشینی اتفاق افتاده بود) می‌توان در مسائل ذیل خلاصه کرد:

۱- حفظ اصل دین و جلوگیری از حاکمیت مجدد کفر و شرک

در جریان فتوحات، اگر حضرت در حد ارائه نظر و راهنمایی در موارد لازم با خلفا همکاری نمی‌کرد، نابودی دین خدا و حاکمیت مجدد شرک و کفر را به چشم خویش می‌دید.^۴

۲- تفاوت ماهیت فتوحات عصر خلفا با دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس

اما به این نکته نیز باید اذعان داشت که از عمر جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله زمان زیادی نگذشته بود و بسیاری از صحابه در قید حیات بودند. از این رو، مسلمانان هنوز سیره و اخلاق الهی و تعالیم انسان‌ساز رسول خدا صلی الله علیه و آله را از یاد نبرده بودند و بدعت‌ها و تغییر احکام خدا و سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، آنچنان در روح و کالبد جامعه اسلامی نفوذ نکرده بود.

۳- ماهیت جهان‌شمولی آیین اسلام و اخبار غیبی و بشارت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله

سومین دلیل همکاری فکری علی علیه السلام با خلفای اولیه را، عالمگیر بودن دین اسلام و اخبار غیبی و بشارت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر غلبه مسلمانان بر سرزمین‌های کفر و شکست و زبونی دشمنان اسلام در برابر آیین پیامبر صلی الله علیه و آله در آینده نزدیک می‌توان شمرد.

۱. احمد بن ابی‌یعقوب بن وهب بن واضح (یعقوبی)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۳

۲. شیخ صدوق، الخصال، ترجمه جعفری، نسیم کوثر ج ۲، ص ۶۱، شیخ مفید، الاختصاص، ص ۱۷۳

۳. مسعودی، مروج المذهب و معادن الجوهر، ج ۲، ص ۳۱۰.

۴. حضرت در این باره می‌فرماید: «... به خدا سوگند، اگر ترس از ایجاد شکاف و اختلاف در میان مسلمانان نبود و بیم آن نمی‌رفت که بار دیگر کفر و بت پرستی به سرزمین اسلام باز

گردد و اسلام محو و نابود شود با آنان به گونه دیگری رفتار می‌کردیم.» (شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۳۰۷).

درباره حضور حسنین علیهما السلام در جنگ‌های عصر خلفا هیچ یک از منابع شیعی سخنی نگفته‌اند. اما برخی از منابع تاریخی اهل سنت از حضور امام حسن مجتبی علیه السلام و برادرش امام حسین علیه السلام در بعضی از فتوحات این دوران خبر داده‌اند. این اخبار دارای ضعف‌ها و نارسایی‌هایی است؛ اگر بر فرض پذیرفته شود که حسنین علیهما السلام در ایام جوانی به شهرهای اصفهان و گرگان و... مسافرت کرده‌اند؛ به سبب موردگیری (غیر از شرکت در فتوحات) بوده است یا اصلاً در عصر خلافت امام علی علیه السلام بوده است. مسأله دیگر آنکه علی بن ابی طالب علیه السلام در عصر امامت و خلافت خویش، حسنین علیهما السلام را از پیش روی در معرکه صفین باز می‌داشت و چون حضرت این صحنه را مشاهده کرد، فرمود: «إِمْلِكُوا عَنِّي هَذَا الْغُلَامَ لَا يَهْدِيَنِي فَإِنِّي أَنفَسُ بِهَيْدِينَ عَلَى الْمَوْتِ، لَثَلَا يَنْقَطِعَ بِهِمَا نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ» از طرف من جلوی این جوان را بگیرید تا با مرگ خویش، پشت مرا نشکند که من از رفتن این دو (حسین علیه السلام) به میدان نبرد دریغ دارم. مبادا با مرگ آن دو، نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله قطع شود. حال با چنین اکراه و امتناعی از سوی حضرت نسبت به حضور حسنین علیهما السلام در نبرد‌هایی که به فرمان پیشوای عادل، هم‌چون خود ایشان صورت می‌گرفت، چگونه آن بزرگوار حاضر می‌شود که تحت زعامت زمامداران مورد اعتراض و انتقادش، فرزندان خویش را که پیشوایان آینده جامعه اسلامی هستند به جبهه جنگ بفرستد؟

نتیجه

پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از جریان سقیفه، حضرت علی علیه السلام برای مصالح برتر و وحدت امت اسلامی سکوت، و در جهت وحدت اسلامی با خلفا همکاری کرد.

علی علیه السلام در دوران ۲۵ ساله سکوت خویش بیشتر می‌کوشید وظیفه الهی و انسانی خود را در قالب مشاوره‌های نظامی، سیاسی، علمی، قضایی، اقتصادی و... برای حفظ دین و ثبات جامعه نوپای اسلامی به انجام رساند. او نمی‌توانست در برابر معضلات گوناگون که دامنگیر اسلام و امت اسلامی شده بود و بقای دین و حیات مسلمانان را به خطر جدی انداخته بود، بی تفاوت بماند، آن هم به بهانه اینکه حقش را گرفته‌اند؛ البته همکاری علی علیه السلام با خلفا به حدی بود که خلفا از آن به نفع خویش بهره‌نگیرند و مشروعیت خود را مطرح نسازند.